



۲۰۲۱/۰۸/۳۱



عبدالقیوم میرزاده

پنجشنبه خونین کابل و حوادث بعدی

انفجار خونین و مرگبار ساعت شش و نیم عصر بوقت کابل مؤرخ پنجشنبه ۲۶ اگست سال روان در جوار دروازه میدان هوایی کابل که باعث کشته شدن ۱۷۰ تن از هموطنان ما و ۱۴ تن منسوبین نظامی امریکایی و سه تن منسوبین نظامی انگلیسی و زخمی شدن ده ها تن از هموطنان ما گردید تراژیدی بزرگ بود منحنیث اولین تحفه حاکمیت طالبان به مردم افغانستان که ذبیح الله مجاهد در مصاحبه مؤرخ ۲۷ اگست با رادیوی آزادی با وقاحت تمام بیان داشت: «در این انفجار به ما هیچ زیان نرسیده و نیروهای ما در این ساحه حضور نداشتند.» یعنی مردم که بخون غلتیدند، کشته و زخمی شدند از آنها نیست! این حادثه خونین و دلخراش واکنش های قابل توجهی را در سراسر جهان در قبال داشت. صرف نظر از پیامهائی متحد المال و کلیشه سرمنشی ملل متحد، رئیس اتحادیه اروپا، سران اکثر کشور های جهان اما این انفجارات و کشتار بیرحمانه مردم در داخل امریکا وضعیت را بگونه قابل توجه دگرگون ساخته است. بایدن رئیس جمهور امریکا در کنفرانس مطبوعاتی که به این مناسبت در قصر سفید برگزار شده بود چنان دست پاچه شده بود که حالت اضطراب و سراسیمگی از بیانیه بی ربط و سیمای پریشانش کاملاً هویدا بود. در این تراژیدی هولناک که مسبب آن مستقیماً امریکا در تبنای پاکستان میباشد بایدن حتی یادی از شهدا و مجروحین افغان نکرد او با سراسیمگی و بی رابطه سرطانی داشتن پسرش را بمیان کشید و متعاقب آن با الفاظ کاملاً ناموجه و بی ربط کشته شده گان امریکایی را قهرمان نامید. اما به قول خیرگزاری رویترز مؤسسه تحقیقاتی IPSOS ۵۱ فیصد امریکاییان به این نظر اند که ورود تروریستان طالب به کابل نتایج و دستاورد های دو دهه حضور نظامی امریکا با مصرف یک تریلیون دالر را به هدر داد و عملکرد بایدن را در قبال افغانستان منحنیث بدترین رئیس جمهور به تناسب سه رئیس جمهور قبلی اش توصیف کرده اند. حتی در کانگرس زمره های مبنی بر سازماندهی استیضاح بایدن نیز شنیده میشود.

گرچه مسئولیت حادثه خونین میدان هوایی کابل و حملات راکتی بعدی را در شهر کابل گروه تروریستی داعش به عهده گرفت. اما تاد ستارنز نویسنده، مفسر و مجری برنامه های سیاسی تلویزیونی فاکس نیوز و سایر برنامه های تلویزیونی امریکایی در پی این حادثه خونین که در جوار میدان هوایی کابل حمام خون بر پا کرد با بی شرمی و پر رویی استعماری در صفحه تویتر خویش نوشته است: «در برابر هر امریکایی کشته شده یک شهر افغانستان از روی زمین محو شود و اگر با این ادبیات طالبان را تهدید نکنید این کشتار ادامه میابد.» و همزمان با این حوادث خونبار آژانس خبری رویترز بتاريخ ۲۶ اگست از قول مقامات ترکی اخباری را منتشر کرد که طالبان از ترکیه خواسته اند تا بوسیله نیرو های مسلح خویش امنیت میدان هوایی کابل را تأمین کنند اما همه این ماجرا ها دقیقاً بعد از ملاقات کاملاً محرمانه ویلیام برنز رئیس CIA با ملا برادر مسئول طالبان اتفاق افتید تا توجه جامعه جهانی را به این امر معطوف دارند که طالبان امنیت مردم را گرفته نمیتوانند باید تأمین امنیت میدان هوایی کابل بوسیله نیرو های ترکیه که در صدور داعش به عراق، سوریه، لیبیا و افغانستان تجارب بزرگی اندوخته است صورت گیرد. همین اکنون راپور هایی به میدیای جهانی مواصلت میکند که قرار است نیرو هایی امریکایی روز سه شنبه ۳۱ اگست میدان هوایی کابل را ترک کنند و ترکیه اعلام کرده تا در بدل برسمیت شناختن حکومت طالبان امنیت میدان هوایی کابل را بدست گیرند. همچنان انگلیس نیز برسمیت شناختن طالبان را با امنیت میدان هوایی کابل مشروط کرده است. از طرف دیگر امروز مؤرخ ۳۰ اگست امریکا طرح قطعنامه را در اجلاس اضطراری شورای امنیت ملل متحد برای معین سازی میدان هوایی کابل منحنیث منطقه امن با دلایل نهایت

صوری و غیر واقعی مطرح کرده است که کشور های فرانسه و انگلیس حمایت شانرا از این طرح ابلاغ کرده اند. دیده میشود که امریکا و متحدینش خاصاً فرانسه و انگلیس با ذرایع مختلف در تلاش اند تا میدان هوایی کابل را برای مقاصد آزمندانۀ شان در اختیار داشته باشند. از طرف دیگر از جانب احمد مسعود طبل مقاومت در پنجشیر بالا گرفته و ملاقات های وی با هنری برنارد لیویی یهودی عضو فعال استخباراتی و مشوق اکثریت جنگهای کشور های اسلامی با شعار "همدیگر را بکشید و مرمی مصرف کنید این هم برای اسلامیت شما خوب است و هم برای اقتصاد ما" از زمان افتتاح پس کوچۀ در پاریس بنام احمد شاه مسعود و اخیراً عکس هایی را هنری برنارد لیویی در صفحۀ انستاگرام خویش منتشر ساخته است که او را در ملاقات هایی با احمد مسعود در پنجشیر و تخار نشان میدهد و پرده از عمق ماجرای مقاومت بر میدارد یعنی این مقاومت که من در گزارش هفته قبیل تلویحاً نوشتم که احتمالاً کشور و یا کشور هایی در عقبۀ این مقاومت قرار دارد و از این جوانک خون گرم تحصیل یافته انگلیس سوء استفاده میکنند، حالا به واقعیت مبدل گشته و معلوم شد که کی ها در عقب این مقاومت قرار دارند؟

در این هیچ شک نیست که طالبان خون آشام ترین گروه تروریستی بنیادگرای اسلامی و آله دست سازمان استخبارات نظامی پاکستان و با مساعدت مالی و لوژستیکی امریکا و یکعده کشور های دیگر تا این جا رسانیده شده اند. امریکا و متحدینش در بیست سال سلطۀ استعماری شان در افغانستان وضعیت سیاسی - اجتماعی - نظامی کشور ما را طوری مهندسی کرده بودند که با خروج خویش خانه جنگی را در کران تا کران کشور راه اندازی میکنند که در سایۀ این جنگ حاکمیت ملی از بین رفته و تمامیت ارضی کشور نابود شده و تجزیه کشور را اجتناب نا پذیر ساخته بودند که تا سالهای مدید شعله های این جنگ مردم و هستی کشور ما را ببلعد و آزمندان در آب گل آلودش ماهی خویش گیرند که خوشبختانه تا کنون نتوانسته اند به این آرزوی شوم شان برسند. ولی تلاشها در زمینه همچنان جریان دارد .

ملت بزرگ خسته از جنگ و برادر گشتی افغان با آنکه غرور ملی اش با یورش پاکستانی ها و نوکرانش بنام طالبان خدشه دار شده ولی مردم افغانستان تشنه صلح و آرامش اند. مردم حق دارند تا نفس راحت بکشند، بعد از این همه جنگ، تباهی، برادر کشی، انقطابات اجتماعی لازمی است به طرق و وسایل صلح آمیز متوصل شوند و با آگاهی و درک سالم از منافع ملی کشور بدون وابستگی خارجی و چسبیدن به ایدیالوژی های شرقی، غربی، اسلامی و غیره مبارزۀ خویش را خود سرو سامان دهند و از میان نخبگان خویش رهبران خویش را خود تعیین کنند، مهم نیست این رهبر به کدام قوم و یا ولایت تعلق خانوادگی دارد مهم آنست خردمند و شایستگی رهبری را داشته باشد و این رهبران هر از چند گاهی جای خویش را به تازه واردان خالی کرده و هیچ کسی بنابر وابستگی اش به خارج و بوسیله مدیای جهانی و سفارت خانه های خارجی بر ما رهبر مقرر نگردد که مادام العمر خداگونه رهبر بماند و کس نتواند حتی نامش را با تلفظ دیگر ادا کند. این امر مردم ما را قادر میسازد تا در دراز مدت بعد از تکامل فرهنگی، با سواد و آگاهی و باورمندی شان از منافع همگانی بتوانند از طریق مبارزات صلح آمیز مدنی اداره کشور را بدست گیرند. کادر ها و رهبران این مبارزات مسالمت آمیز و مدنی نباید انتظار داشته باشند تا کار صد ساله را یکشنبه اجرا و تاریخ را بنام خویش رقم بزنند. کار فرهنگی آگاهی رسانی و بیداری مردم کار دوامدار و مستلزم انقلاب فرهنگی است و این انقلاب فرهنگی یعنی با سواد و آگاهی، تساوی حقوق انسانی، مشارکت همه مردم در امور اداره، اقتصاد، اجتماع و سیاست ارجحیت، الویت و قدسیت منافع ملی میباشد.



برای مطالب دیگر عبدالقیوم میرزاده روی عکس کلیک کنید